

گفت‌وگو

✂ برای بررسی شرایط کشور و نوع عملکرد دولتمردان در ماه‌های اخیر به گفت‌وگو با «سید محمد حسینی»، معاون پارلمانی شهید رئیسی پرداخته‌ایم:

■ لطفاً درباره دلیل تخریب‌هایی که علیه شهید رئیسی حتی پس از شهادت ایشان انجام می‌شود توضیح دهید.

معتمد شهید رئیسی حتی از شهدای عزیزی چون رجایی و باهنر نیز مظلوم‌تر است. زیرا هر هجمه‌ای که در دوران حیات رجایی و باهنر به آن‌ها می‌شد پس از شهادتشان پایان یافت اما بدخواهان ملت ایران، هم در دوران حیات و هم پس از شهادت رئیسی عزیز، دست از تخریب او برنمی‌دارند. یادمان نرود که آقای شهید ما حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای درباره شهید رئیسی فرمودند: «لم برای رئیسی سوخت». این جمله آقای شهید قطعاً بی حکمت نبوده و نشان دهنده شدت حملات و تخریب‌هایی است که در دوران حیات شهید رئیسی علیه ایشان انجام می‌شد. عده‌ای که رسانه و پوپل و نفوذ دارند به قدری با رئیسی عزیز ما دشمنی کردند که حتی کارهای خوب دولت سیزدهم را در چشم مردم بد جلوه می‌دادند. البته مدتی این تخریب‌ها به دلیل شرایط جنگی کمی کم‌رنگ شده بود اما ظاهراً در شرایط فعلی دست دستگاه اجرایی کشور به قدری خالی بوده و عملکرد دولت چهاردهم ضعیف و غیرقابل دفاع است که عده‌ای چاره‌ای جز بازگشت به رویکرد تخریب شهید رئیسی ندارند. البته ظاهراً وضع دولت به قدری خراب است که تخریب شهید رئیسی هم در شرایط فعلی به تنهایی نمی‌تواند فشار را از روی دولتمردان کم کند و مجبور هستند دستاوردهای دولت‌های نهم و دهم را هم انکار کنند تا کمی دست خالی خودشان کمتر به چشم بیاید. اینکه یک مسئول دولتی می‌گوید که ۷۵ میلیارد دلار درآمد نفتی در دولت‌های نهم و دهم کاملاً ناپوشد حرف بی اساسی در راستای همین پروژه تخریب دیگران برای تظهِیر دولت فعلی است. چراکه میزان ساخت‌وساز و خدمات دولت‌های نهم و دهم مشخص و در تاریخ پس از انقلاب کم سابقه است.

■ اگر بخوایید به عملکرد مردم، نظامیان و دولتمردان در چند ماه اخیر نمره دهید؛ تفاوت شما به چه شکلی است؟

قطعاً نمره نظامیان شجاع و ملت همیشه در صحنه ایران ۲۰ است. اما تصافاً برخی دولتمردان مانمره خوبی در این چند ماه کسب نکرده‌اند. چراکه برخی عملکردهای غلط و افکار نظرها بی موقع دولتمردان باعث شده که دشمن نتواند روایت‌گری صحنه نبرد را به دست گرفته، دستاوردهای دروغین کرده و از زیر پا فشارهای ناشی از حوادث جاری در تنگه‌های هرمز و باب‌المندب برگزید. انصافاً چه می‌شود برخی دولتمردان و سیاستون ما مدتی روزه سکوت بگیرند. این چه معنایی دارد که تا قیمت نفت، بنزین و گازوئیل در غرب افزایش می‌یابد برخی دولتمردان ما وارد صحنه شده و با اظهار نظرهاي سنجیده و ارسال پالس ضغف، باعث کاهش قیمت‌های افزایش یافته می‌شوند. نظامیان عزیز ما و چه‌ها مجاهد انصارالله یمن دائماً خون می‌دهند تا فشار بر دشمن خبیث ایران در عرصه اقتصادی را حفظ کنند اما عده‌ای در کشور ما که شہوت‌انظف‌نظر درباره همه چیز دارند؛ به یکباره بازی را به نفع دشمن برهم می‌زنند. آقایان مسئول در دولت چهاردهم، مگر مجبورید دائماً اظهارات سنجیده داشته باشید. خب کمی هم روزه سکوت بگیرید. حرف زدن که بلد نیستید. لاقل کمی حرف نزنن بیاموزید.

■ لطفاً درباره تفاوت شرایط در دوران شهید رئیسی با دوران دولت پزشکشان کمی توضیح دهید.

دلم نمی‌خواهد وارد مقایسه شرایط امروز کشور با دوران دولت سیزدهم شوم اما چون عده‌ای فکر می‌کنند که مردم هوشیار و انقلابی ما خدایی ناکرده دچار فراموشی شده‌اند مجبورم که توضیحاتی در دفاع از دولت شهید رئیسی و مردم

انقلابی حاضر در میدان بیان کنم. آقایان دولت چهاردهم، مطمئن باشید که مردم انقلابی ایران نه تنها فراموشکار نیستند بلکه همه چیز را خیلی هم خوب به یاد می‌آورند. مردم هنوز از یاد نبرده‌اند که آقای عبدالناصر همتی، رئیس کل فعلی بانک مرکزی که انتصاب او به این سمت، دهن کجی آشکار آقای پزشکشان به مجلس بود؛ به خاطر اندکی تلاطم در بازار ارز، شهید رئیسی را دعوت به استعفا می‌کرد. در حالی که خودش طی این چند ماه یک فاجعه مدیریتی تمام عیار رقم زده اما به روی مبارک هم نمی‌آورد که یک تصمیمی به نام استعفا هم وجود دارد. آقای همتی دلار دیگر باید چه قدر افزایش یابد که شما خجالت بکشید، از مردم عذرخواهی کرده و استعفا دهید. مردم عزیز و انقلابی ما هنوز وعده‌های انتخاباتی آقای پزشکشان درباره شکستن سد تحریم و بهبود شرایط زندگی را از یاد نبرده‌اند. مردم به یاد دارند که رئیس جمهور محترم در تلویزیون بیان می‌کرد که قیمت مسکن چند، قیمت دلار چند، قیمت خودرو چند و دائماً عملکرد دولت شهید رئیسی را نقد می‌کشید. خب سؤال مادر حال حاضر از آقای پزشکشان همین است که جناب رئیس جمهور عزیز، همین‌هایی که فرمودید در دوران ۲ ساله دولت شما قیمت شان گاهشی بوده یا سر به فلک گذاشته است. درباره دوستان وفاقی در مجلس هم سخن برای گفتن بسیار دارم. بالاخره من معاون پارلمانی شهید رئیسی بودم و یادم هست که با کوچک‌ترین مشکلی، چه برخورد‌هایی با دولت سیزدهم می‌شد و وزرا ی ما دائماً در صف استیضاح بودند. حتی جالب است بدانید که یک بار ۱۲ وزیر رئیسی هم‌زمان در صف استیضاح قرار گرفتند. اما

ظاهراً به لطف وفاق، در نگاه برخی نمایندگان منتقد دولت قبل، همه چیز در دولت پزشکشان گل و بلبل است. جالب است که دیگر خبری از سوال‌های پرشمار، تحقیق و تفحص‌های دائمی و اولتیماتوم داد‌های همیشگی مجلس در دولت چهاردهم نیست. ان شاءالله که این وفاق میان دولت ومجلس دائمی و در همه‌امور باشد. اما مردم عزیز ایران این تفاوت برخورد‌های مجلس با دو دولت پیشین و فعلی را به خوبی مقایسه می‌کنند و برعکس نظر آقای وفاق، ملت مبعوث اصلاً هم اهل فراموش کاری نیستند.

■ مهم‌ترین اولویت مردم و درخواست اصلی آن‌ها از مسئولان چیست؟

باعث حیرت است که برخی این حجم از بی حیایی، برهنگی و بی عفتی اشاعه داده شده در بخشی از جامعه و دولتمردان می‌دانند. قطعاً بخش مهمی از این برهنگی‌ها سازمان‌دهی شده است. برخی به دنبال این هستند که حریم‌های اخلاق در جامعه ما شکسته شود و خاک‌ریزهای فرهنگی نوبت به نوبت سقوط کند. اما این را بدانید که مطالبه جدی ملت مبعوث و انقلابی برخورد با این وضعیت ناپه‌نجار فرهنگی است. چراکه دشمن به دنبال حذف کردن جامعه ما از حالت عادی بوده و قطعاً نیروهای انقلاب چنین اجازه‌ای نخواهند داد. خوشبختانه سخنان اخیر حجت‌الاسلام و مسلمین محسنی اژه‌ای، ریاست محترم قوه قضائیه در زمینه برخورد با هنجارشکنی‌های رای همه ما و عموم مردم انقلابی امیدبخش بود. چراکه متأسفانه وضعیت به شکلی شده که برخی حتی هیچ حریمی برای مقدسات و شهرهای مذهبی هم قائل نیستند. در تجمعات شبانه هم مردم ما دو مطالبه اساسی دارند. برخورد



سید محمد حسینی، معاون پارلمانی شهید رئیسی در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

تفاوت برخورد مجلس با دولت‌های رئیسی و پزشکشان

■ دولت چهاردهم آن قدر ضعیف است که برای جبران پوشش ضعف‌هایشان به سراغ تخریب شهید رئیسی می‌روند ■ وفاق‌یون همه چیز را در دولت پزشکشان گل و بلبل می‌بینند ■ دولت چهاردهم به جای پاسخگویی، دست‌آورد دولت‌های قبل را انکار می‌کند ■ وقتی دولت کم می‌آورد، نوبت تخریب شهید رئیسی می‌رسد ■ دولت پزشکشان از «نمی‌توانیم» و «نمی‌شود» دست بردارد ■ دولت پزشکشان بازار را رها کرده است ■ دولت بر بازار نظارت کافی ندارد ■ مردم افزایش چندباره قیمت کالا‌های اساسی را نمی‌پذیرند ■ دولت بازار را رها کرده؛ گران‌فروشان میدان‌دار شده‌اند ■ رئیسی شخصاً بازار را دنبال می‌کرد ■ زمان رئیسی وزرا دائماً تحت سؤال بودند، امروز خبری از نظارت نیست ■ مجلس در دولت رئیسی منتقد بود، در دولت پزشکشان «وفاقی» شد ■ یک برهه ای بود که ۱۲ وزیر رئیسی در صف استیضاح بودند چرا در دولت پزشکشان خبری از سؤال نیست؟ ■ مردم تفاوت برخورد مجلس با دولت رئیسی و پزشکشان را فراموش نکرده‌اند ■ دلار چقدر دیگر باید گران شود تا همتی استعفا دهد؟ ■ جهش افسارگسیخته ارز مشکوک است ■ آقای همتی، وقت عذرخواهی و استعفاست

با بی عفتی‌ها و پس از آن تلاش دولت در راستای بهبود شرایط اقتصادی دو‌خواسته اساسی مردم مبعوث در تجمعات شبانه است.

■ مردم نسبت به شرایط بازار گلابه اساسی دارند و این احساس وجود دارد که دولت به کلی نظارت بر بازار رها کرده‌است. تحلیل شما چیست؟ این ستاد در بازار در زمان شهید رئیسی به صورت منظم به ریاست معاون اول ایشان تشکیل می‌شد و حتی گاهی آقای رئیسی خودشان ریاست جلسه را به عهده می‌گرفتند. الان دقیقاً در ستاد تنظیم بازار چه خیراست و چرا مردم تأثیری از تصمیمات این ستاد در بازار نمی‌بینند. هیچ‌گاه یادم نمی‌رود که پیش از جلسات هیات دولت، شهید رئیسی گزارش‌های مربوط به بازار را جمع‌بندی کرده و از تک به تک وزرا و معاونان مربوطه درباره حوزه مسئولیتشان در این عرصه بازخواست می‌کردند. به‌خصوص وزرای جهاد کشاورزی و صمت دائماً تحت سؤال و فشار از سوی رئیس جمهور وقت بودند و مثل الان نبود که وزیری وظیفه‌اش را انجام ندهد و طلبکار مردم هم باشد. ببینید قصد من زیر سؤال بردن زحمات آقای پزشکشان و مدیران دولت ایشان نیست. اما وقتی شخصی وارد عرصه مسئولیت در قامت رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور یا وزیر شد دیگر باید شب و روزش را به هم بدوزد و برای مردم کار کند. این قابل قبول نیست که عده‌ای مدبران دولتی ساعت ۴ بعد از ظهر بخواهند کار را تعطیل کرده و به خانه بروند. در دوران مسئولیت بنده هم چنین مدیرانی در بدنه دولت یافت می‌شد که به سختی با آن‌ها برخورد می‌کردیم. چراکه مدیر تراز جمهوری اسلامی، باید جهادی و پرکار برای قوای دیگر و هم دستگاه‌های نظارتی باید به بحث برخورد با تخلفات گران‌فروشی و احتکار در بازار ورود کنند. مردم انقلابی ما ۷ ماه کف خیابان‌ها جهاد کرده‌اند و وحشان این نیست که در برابر عده‌ای سودجوی خائن، تنها گذاشته شوند. آقای پزشکشان باید شخصاً بحث نظارت بر بازار را رهبری کنند. زمان شهید رئیسی این مسئله به صورت جدی از سوی شخص ایشان پیگیری می‌شد. جلسات

■ توصیه یا توصیه‌های شما به رئیس جمهور در این شرایط چیست؟ دلسوزانه به برادرمان آقای دکتر پزشکشان توصیه می‌کنم که دست از حواله دادن کلیت کارها به کارشناسان و عدم ورود به جزئیات دست بردارد. بنده به شخصه دوست دارم دولت

چهاردهم موفق شود اما این مسیری که از سوی رئیس جمهور و وزرا پیگیری می‌شود به موفقیت نخواهد انجامید. اینکه دائماً تکرار کنیم هر چه کارشناسان بگویند ما انجام می‌دهیم که ناشی تصمیم‌گیری نیست. کارشناسان معمولاً نظرات متفاوت دارند و اینجاست که رئیس جمهور باید قوه تشخیص خود را نشان داده و نظر نزدیک‌تر به صلاح کشور را انتخاب و اجرایی کند. همچنین اینکه رئیس جمهور دائماً بگوید هر کسی می‌تواند به او اختیار بدهم تا کارها را انجام دهد که راه حل نیست. ایشان مگر در کابینه‌شان افراد مجرب برای حل مسائل را انتخاب نکرده‌اند که حالا به دنبال اختیار دادن به دیگران برای حل مسائل هستند. برادر عزیز، آقای پزشکشان، به خدا ما دلسوز شما هستیم. دست از این نمی‌شود، نمی‌توانیم و نداریم برادرید را از مشورت افراد دلسوز برای خروج کشور از این شرایط بد اقتصادی بهره ببرید.

■ مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی شهید رئیسی که در شرایط امروز کشور می‌توانست راهگشا باشد کدام ویژگی‌ها بود؟

شهید رئیسی یک ویژگی جالبی داشت که بسیار اهل تعامل بود. حتی روزنامه‌ها و رسانه‌های مخالف و منتقد دولت را دنبال می‌کرد تا از نظرات گوناگون باخبر باشد. بارها به ما تاکید داشت که حتماً با زبان خوش و در فضای تعامل با منتقدان و مخالفان دولت جلسات مشترک بگذارید و نظراتشان را بشنوید. با استدلال دولت به قدری قوی خواهد بود که شما می‌توانید آن‌ها را قانع کنید و یا آن‌ها ما دولتمردان را متوجه اشتباهاتمان خواهند کرد. ویژگی دیگر شهید رئیسی شخصیت پرکار ایشان بود. ایشان معتقد بودند که هیچ فرصتی برای خدمت به مردم را نباید از دست داد. یاد می‌آید بعد از ظهر چهارشنبه روزی در شهریور ۱۴۰۰ که کابینه ایشان از مجلس وقت رأی اعتماد گرفت حتی منتظر جلسات تودیع و معارفه وزرا نشدیم و فوری کار را شروع کردیم. حتی فردایش یعنی پنج‌شنبه اولین سفر استانی دولت سیزدهم هم پرکار شد. شهید رئیسی در ۵ سالگی یتیم شده بود. بنابراین طعم محرومیت را به معنای واقعی کلمه چشیده بود. در نتیجه ایشان عمیقاً باور داشت که رئیس جمهور و مسئولان دولتی باید به میان مردم بروند و درد محرومیت را از نزدیک لمس کنند. این‌ها را عرض کردم تا بگویم که خیلی فرق دارد چه کسی رئیس جمهور باشد. یک رئیس جمهور مثل شهید رئیسی اهل ما می‌توانیم خواهد شد و متأسفانه رئیس جمهور دیگری دائماً از توانایی یاس دم می‌زند.

■ تحلیل شما از شرایط کشور در چند ماهه اخیر به‌خصوص در موضوع جهش ارزی و تعطیلی مجلس چیست؟

اتفاقات عجیبی در کشور در حال رخ دادن است. اینکه با اصرار عده‌ای آقای عبدالناصر همتی که هم در دوران ریاست بانک مرکزی در دولت حسن روحانی هم در دوران وزارت اقتصاد در همین دولت پزشکشان فاجعه‌آفریدار مجدداً رئیس کل بانک مرکزی می‌کنند واقعاً عجیب است. اینکه نرخ ارز به این شکل افسارگسیخته بالا رفته را جز تلاش عده‌ای خائن برای تسلیم کردن مردم نمی‌توان تصور کرد. من به این جهش ارزی مشکوکم. قطعاً ریاست مجلس که اهل وفاق هم هست و با آقای پزشکشان به خوبی همراهی دارد مسئولیت خودش در این زمینه را هم خواهد پذیرفت. همچنین مسئولیتش در زمینه بسته نگه داشتن ۶ ماهه مجلس شورای اسلامی را هم باید بپذیرد. چراکه یکی از دلایل شرایط افتضاح اقتصادی امروز کشور، همین تعطیلی مجلس و عدم اعمال نظارت از سوی مجلس شورای اسلامی بر روی دولت است. توجه داشته باشید که تعطیلی مجلس امری بی سابقه بود که در تاریخ انقلاب فقط در همین مدت اخیر روی داده است. شما را ارجاع می‌دهم به دوران دفاع مقدس ۸ ساله که مجلس حتی یک روز هم

به بهانه شرایط جنگی تعطیل نشد. همچنین اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم می‌بینیم که در زمان انفجار حزب جمهوری اسلامی، برای اینکه مجلس از حد‌نصاب نیفتد و به فعالیت ادامه دهد حتی نمایندگان زخمی بر روی تخت‌های بیمارستانی در صحن مجلس حاضر شدند. اما این روزها که

حتی دانش آموزان هم به مدرسه رفته‌اند؛ نمایندگان مجلس را به صحن راهی نیست.

■ آیا تصمیم ارزی دی‌ماه ۱۴۰۴ دولت پزشکشان در راستای باور مدیران آن به شوک‌درمانی بود؟

تصمیم ارزی دولت پزشکشان در دی‌ماه ۱۴۰۴ یک شوک‌درمانی به تمام معنآ آن هم در دولتی بود که رئیسش در انتخابات ریاست جمهوری به مردم وعده داده بود که هیچ‌گاه دست به شوک‌درمانی نخواهد زد. شما این نوع عملکرد دولت چهاردهم را با عملکرد دولت‌های دهم و سیزدهم در بحث هدف‌مندی بارنه‌ها و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مقایسه کنید تا کاملاً متوجه شوید که چه قدر مهم است که در تصمیمات مهم، جامعه و مردم را آفتاب و همراه کرد. به نظرم دولت پزشکشان ادامه‌دهنده راه دولت روحانی است. هنوز یادمان نرفته‌ه که دولت روحانی در آبان ۱۳۹۸ و ماجرای گران‌سازی بنزین چه فاجعه‌ای رقم زد.

بنابراین توصیه دلسوزانه ما به آقای پزشکشان این است که در تصمیماتشان مصالح عالیبه کشور را در نظر بگیرند و دیگر فاجعه‌ای به مانند آنچه در دی‌ماه ۱۴۰۴ رقم زدند را تکرار نکنند. پزشکشان نباید تابع حامیان شوک‌درمانی در اقتصاد باشد.

■ عملکرد دولت رئیسی در سیاست خارجی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شهید رئیسی برخلاف عده‌ای از غرب‌پرستان، هیچ ادعایی نداشت که زبان دنیار باید است. بااین حال عملکرد سیاست خارجی دولت ایشان یک نمونه بارز از موفقیت در میان تمامی دولت‌های پس از انقلاب است. اینکه شهید رئیسی توانست ایران را به عضویت شانگهای و بریکس درآورد دستاوردهای بسیار مهمی بود که ثابت کرد برخلاف ادعای دشمنان، کشور ما ابتدا آمزنی نیست. در ماجرای شانگهای که شهید رئیسی به تاجیکستان سفر کرد موفق شد اجماع تمامی اعضا برای موافقت با عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای ایجاد کنند. این هنر کمی نبود. در حالی که دولت روحانی با بی‌توجهی به همسایگان و کشورهای همسایه ایران، باعث دلسردی و مخالفت برخی کشورها با عضویت ایران شده بود و ما سال‌ها پشت درهای شانگهای معطل مانده بودیم. دیپلماسی غرب‌گدایی دولت روحانی کار را به جایی رسانده بود که حتی تاجیکستان هم از ما مکدر بود و اجازه عضویت ما در شانگهای را نمی‌داد. این مشکلات را دم مسیحایی شهید رئیسی و باور ایشان به تعامل با همسایگان و کشورهای همسواره کرد. همچنین در ماجرای عضویت ایران در بریکس، رسماً از شهید رئیسی جهت شرکت در اجلاس بریکس در آفریقای جنوبی دعوت شده بود اما ایشان شرط کرد که جمهوری اسلامی ایران و شخص ایشان تنها در صورتی دعوت را خواهند پذیرفت که عضویت ایران در بریکس تأیید و اعلام شود. این در حالی بود که بسیاری از کشورها حتی پیش از ما در نوبت عضویت بودند و این دیپلماسی اقتدار شهید رئیسی بود که جمهوری اسلامی ایران را به عضویت بریکس درآورد و از درون قاطعیت شهید رئیسی، سازگار بریکس پلاس را زده شد. فرض کنید امروز ما عضو سانگهای و بریکس نبودیم. آن زمان در برابر فشارهای ترامپ برای منزوی کردن ایران چه می‌کردیم. الحمدالله که دولت چهاردهم ثمره نهالی رامی‌چند که دولت سیزدهم کاشته است.

تصمیم ارزی دولت پزشکشان یک «شوکه‌درمانی به تمام معنا» بود ■ دولت پزشکشان بازار را رها کرده‌است؛ مردم فراموشکار نیستند ■ دولت چهاردهم دست از «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» بردارد

آن به‌طور مستقل روشن نیست.

از منظر مسابقه تاب‌آوری ایران و آمریکا، می‌توان تشدید حملات را تلاشی برای جلوگیری از کاهش اثرگذاری اهرم تنگه هرمز ارزیابی کرد. بازیابی نسبی صادرات نفت به آمریکا امکان داده بخشی از فشار بازار انرژی را مهار کند، اما افزایش دوباره ناامنی می‌تواند هزینه حمل و بیمه را بالا نگه دارد و برنامه واشنگتن برای عادی‌سازی جریان انرژی را دشوار کند.

بااین‌حال، افزایش حملات به‌تنهایی نشانه موفقیت این راهبرد نیست. میزان کاهش پایدار تردد، تغییر هزینه حمل و بیمه و اثر واقعی بر قیمت انرژی در هفته‌های آینده مشخص خواهد کرد که آیا ایران توانسته اهرم تنگه هرمز را تقویت کند یا تنها هزینه‌های مقطعی تازه‌ای به‌کشتیرانی تحمیل کرده‌است.



هفت روز منتظره به ۱۱۳ کابینه ۱۱.۶ میلیون بشکه در روز رسیده که حدود ۳۲ درصد کمتر از سطح معمول ۱۷.۱ میلیون بشکه‌ای است. افزایش

گسترش حملات به کشتی‌ها و مسیرهای تجاری در حملات اخیر، علاوه بر نفتنشک‌های حامل نفت خام و فرآورده، کشتی‌های کانتنرپر، فله‌برو حامل گاز نیز آسیب دیده‌اند. روز ۱۱۳ اکتبر کشتی کانتنرپر GFS Pride هدف اصابت قرار گرفت و پس از آتش سوزی غرق شد. کشتی فله‌بر Cape DAO نیز صادرات نفت کشورهای منطقه را از تنگه هرمز بازیابی کند.

براساس آمار سازمان بین‌المللی دریانوردی، شمار حوادث تأیید‌شده دریایی در منطقه از ۱۰۰ مورد در ۱۹ اکتبر به ۱۱۳ مورد در ۱۴ اکتبر رسیده است. این رقم مجموع حوادث ثبت‌شده از آغاز جنگ را شامل می‌شود و همه موارد آن لزوماً حمله منتسب به ایران نیستند. همچنین از ابتدای جنگ تاکنون ۲۴ دریانورد در حوادث ثبت‌شده جان باخته‌اند.

در هفته‌های اخیر صحبت از بازیابی عبور نفت خام از تنگه هرمز با وجود تهدید‌های ایران مطرح شده‌است. براساس آمارهای ایران نیز به تازگی با تشدید حملات به کشتی‌های عبوری، نسبت به فرسایشی اهرم تنگه هرمز واکنش نشان داده‌است. براساس داده‌های سازمان بین‌المللی دریانوردی، در دو هفته اخیر دست کم ۲۲ کشتی در فهرست حوادث

تأیید‌شده دریایی منطقه ثبت شده‌اند و شمار کل حوادث از آغاز جنگ افزوری علیه ایران به ۱۱۳ مورد رسیده‌است. هم‌زمان دو مقام ارشد ایرانی به روزنر گفته‌اند تهران با تغییر نوع و شدت حملات، در تلاش است مانع کاهش قیمت جهانی نفت پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا شود.

افزایش حملات به کشتی‌های تجاری در تنگه

فرشاد مومنی؛ اقتصاددان:

ارز ارزان، اعتبار ارزان وزمین ارزان برای پنل های خورشیدی در اختیار چه افرادی قرار گرفته است؟

تصفیه می‌کند. توانایی مدیریت اقتصاد در شرایط پیچیده، به‌انباشت دانش و تجربه و همچنین برخورداری از ظرفیت‌های سرمایه‌ای و سازمانی وابسته است.

وی توضیح داد: بخشی از این توانایی از طریق دانش ضمنی و تجربه‌ای شکل می‌گیرد که در جریان فعالیت مستمر بنگاه‌ها و همکاران میان افراد انباشته می‌شود. بخش دیگر نیز به ظرفیت‌های سازمانی و توانایی همکاری و هماهنگی میان اجزای مختلف نظام اقتصادی مربوط است. اگر بنگاه‌های تولیدی به‌طور مستمر تصفیه‌شوند یا فعالیت خود را متوقف کنند، این تجربه و دانش نیز از دست می‌رود و بازسازی آن به‌آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود.

مؤمنی افزود: در شرایطی که در عرصه سیاسی، همکاری‌های جمعی با بدبینی مواجه می‌شود و در عرصه اقتصاد این بنگاه‌های تولیدی تحت فشار قرار می‌گیرند، ظرفیت هماهنگی و همکاری در سطح ملی کاهش پیدای می‌کند. از همین‌رو، باید به وضعیت بنگاه‌های تولیدی، میزان تعطیلی و ورشکستگی آنها و خروج نیروی انسانی از بخش‌های مولد توجه جدی داشت.

تجربه بازار مرغ و بخران مشروعبست

این اقتصاددان با اشاره به نمونه‌ای که در کتاب نفیو مطرح شده است، گفت: نفیو درباره مسئله مرغ در ایران توضیح می‌دهد که تحریم‌کنندگان لزوماً از ابتدا پیش‌بینی نکرده بودند که اختلاف در عرضه و تقاضای مرغ می‌تواند چه آثار اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد. به گفته مؤمنی، نفیو در این زمینه به شیوه‌مردم مسئله مرغ در ایران اشاره می‌کند و آن رانشانه‌ای از ضعف در اداره این مسئله می‌داند. وی ادامه داد: اهمیت این مثال در آن است که یک مسئله به ظاهر محدود در حوزه تأمین کالای مصرفی می‌تواند به دلیل شیوه مدیریت، به موضوعی گسترده در زندگی روزمره مردم تبدیل شود. هنگامی که دسترسی به کالایی ضروری با اختلال مواجه می‌شود یا قیمت آن افزایش می‌یابد، پیامدهای آن تنها به بازار همان محصول محدود نمی‌ماند و می‌تواند اعتماد عمومی به توانایی سیاست‌گذار در اداره امور تحت تأثیر قرار دهد.

مؤمنی افزود: این تجربه نشان می‌دهد که تصمیم‌های اقتصادی و نحوه‌اجرای آنها باید از نظر آثار اجتماعی نیز بررسی شوند. ضعف در مدیریت تأمین کالاهای اساسی، در کنار کاهش اشتغال و افت قدرت خرید، به‌آشوبی منجر به افزایش عدد، بنابرین، سیاست‌گذار نمی‌تواند پیامدهای معیشتی تصمیم‌های خود را از مسئله اعتماد عمومی جدا بداند.

اصلاح ساختار قدرت، پیش‌شرط اصلاح اقتصادی
مؤمنی با اشاره به ضرورت اصلاح سیاست‌گذاری اقتصادی گفت: نخستین گام برای اصلاح وضعیت، بازنگری در نظام قاعده‌گذاری اقتصادی است؛ نظامی که خود تحت تأثیر نحوه چینش مدیران و توزیع قدرت در ساختار سیاسی قرار دارد. در ادبیات اقتصادی امروز، نظریه‌ای با عنوان توازن دوگانه به‌این نکته اولیه، تجهیزات و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند تولیدکنندگان را با دشواری بیشتری مواجه کند و در مقابل، فعالیت‌هایی را که از افزایش قیمت دارایی‌ها یا تجارت وارداتی سود می‌برند، تقویت کند. به همین دلیل، باید پیامدهای توزیعی و تولیدی سیاست‌های ارزی در کنار اهداف اعلام‌شده اشاره بررسی شود. وی ادامه داد: در این بحث، مسئله حفظ آثار داخلی افزایش نرخ ارز نیست. هنگامی که سیاستی به تصفیه تولید و کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، ممکن است همان پیامدهایی را ایجاد کند که در راهبرد تحریم‌ها دنبال می‌شود. بنابرین، سیاست‌گذار باید پیش از اتخاذ تصمیم‌هایی که شوک ارزی ایجاد می‌کند، نسبت آنها را با حفظ ظرفیت‌های تولیدی و ثبات معیشت مردم بسنجد.

بیکاری جوانان و کاهش اعتماد عمومی

مؤمنی با اشاره به تحلیل نفیواز پیامدهای تصفیه ظرفیت ارزی کشور هدف گفت: نفیو توضیح می‌دهد که کاهش توان اقتصادی و تولیدی کشور هدف می‌تواند به بیکاری جوانان و افزایش فشارهای معیشتی منجر شود. وقتی فرصت‌های شغلی صنعتی کاهش می‌یابد و دستمزدها و درآمد‌های حاصل از فعالیت‌های غیرصنعتی پاسخگوی نیازهای زندگی نیستند، فشار تحریم به لایه‌های گسترده‌تری از جامعه منتقل می‌شود. وی افزود: در تحلیل نفیو، این وضعیت می‌تواند نارضایتی از حکومت مستقر را افزایش دهد و بخشی از مردم را به این نتیجه برساند که برای بهبود شرایط خود باید به خارج از کشور امید ببندند. این نکته نشان می‌دهد که تصفیه تولید و اشتغال تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی نیز داشته باشد. این اقتصاددان با انتقاد از تدوام خرج مواجهه است، می‌تواند احساس بی‌پاهای را در جامعه تشدید کند. در حالی که همراهی مردم و اعتماد عمومی از عوامل مهم حفظ توان ملی در شرایط دشوار است، مؤمنی ادامه داد: مردم ایران در شرایط سخت، سطح بالایی از آگاهی و مسئولیت‌پذیری نشان داده‌اند و این ظرفیت اجتماعی باید جدی گرفته شود. وقتی مسئولان درباره موضوعاتی مانند خط فقر سخن نمی‌گویند یا اعلام می‌کنند اجازه اظهار نظر درباره آن را ندارند، باید پرسید این شیوه اطلاع‌رسانی چه کمکی به اعتماد داد: یکی از نکات مهم در کتاب نفیو این است که کاهش توان تولید صنعتی و افت انگیزه برای فعالیت‌های فناورانه، تنها به کاهش تولید و اشتغال منجر نمی‌شود، بلکه ظرفیت مدیریت کشور را نیز

اعتبار ارزان و زمین ارزان در اختیار متقاضیان قرار دهد. بنابرین، باید درباره نحوه تخصیص این امتیازها، تعداد مجوزها و میزان انطباق آنها با اهداف اعلام‌شده سیاست‌گذار شفاف‌سازی شود. مؤمنی افزود: وقتی منابع ارزی، اعتبارات و زمین با شرایط ترجیحی در اختیار فعالیتی قرار می‌گیرد، باید اطمینان حاصل شود که این حمایت‌ها به افزایش ظرفیت تولید و رفع نیازهای واقعی کشور منجر می‌شوند. در غیراین صورت، ممکن است سیاستی که با هدف حل بحران انرژی طراحی شده است، به بستری برای شکل‌گیری امتیازهای اقتصادی و گسترش واردات تبدیل شود، بدون آنکه دستاوردها متناسبی برای توان تولید داخلی داشته باشد. وی با ابراز تأسفد از فاصله میان اهداف اعلام‌شده و عملکرد برخی سیاست‌ها گفت: در حالی که در ادبیات رسمی بر تهدیدهای خارجی و ضرورت حفظ استقلال کشور تأکید می‌شود، باید بررسی کرد که سیاست‌های داخلی تا چه اندازه با این اهداف سازگارند. اگر یک کشور با فشار خارجی مواجه است، تصمیم‌های مربوط به منابع ارزی و ظرفیت‌های تولیدی آن باید با دقت بیشتری اتخاذ شوند.

فروپاشی از درون و تضعیف ظرفیت‌های تولیدی

این اقتصاددان با اشاره به چارچوب تحلیلی نفیو گفت: در کتاب «هنر تحریم‌ها» و ادبیات راهبردی مورد اشاره او، مجموعه‌ای از اقدامات برای تضعیف کشور هدف تشریح می‌شود که می‌توان آنها را در چارچوب تلاش برای ایجاد فروپاشی از درون بررسی کرد. از این منظر، حفظ وابستگی به صادرات مواد خام، تضعیف صنعت داخلی، کاهش اشتغال صنعتی و هدر رفتن ذخایر ارزی، اجزای مرتبط یک راهبرد هستند که می‌توانند توان اقتصادی کشور را به‌تدریج کاهش دهند. مؤمنی ادامه داد: در دنیای مدرن، تولید فناوری‌هایکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش فقر و عقب‌ماندگی است. اگر کشوری به دنبال استقلال ملی باشد، در عرصه سیاسی باید بقای خود را بر توجیه به خواسته‌های عمومی و همراهی مردم استوار کند و در عرصه اقتصادی نیز باید ارتقای توان تولید فناوری را در اولویت قرار دهد. با این حال، وقتی سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که تولید داخلی تضعیف وابستگی به واردات تقویت شود، کشور از مسیر تقویت استقلال اقتصادی فاصله می‌گیرد.

وی با اشاره به سیاست افزایش نرخ ارز اظهار کرد: برای افزایش نرخ ارز، دلیل متعددی مطرح می‌شود، اما باید به گزارش‌های سالانه بانک مرکزی با عنوان «خلاصه تحولات اقتصادی کشور» نیز مراجعه کرد. در گزارش‌های منتشرشده طی چند دهه گذشته، بارها به پیامدهای شوک ارزی برای معیشت مردم و ظرفیت‌های تولیدی اشاره شده است. بنابرین، حتی در اسناد رسمی نیز درباره آثار منفی افزایش‌های ناگهانی نرخ ارز هشدار داده شده است. مؤمنی افزود: شوک ارزی از یک سو قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، هزینه مواد اولیه، تجهیزات و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند تولیدکنندگان را با دشواری بیشتری مواجه کند و در مقابل، فعالیت‌هایی را که از افزایش قیمت دارایی‌ها یا تجارت وارداتی سود می‌برند، تقویت کند. به همین دلیل، باید پیامدهای توزیعی و تولیدی سیاست‌های ارزی در کنار اهداف اعلام‌شده اشاره بررسی شود. وی ادامه داد: در این بحث، مسئله حفظ آثار داخلی افزایش نرخ ارز نیست. هنگامی که سیاستی به تصفیه تولید و کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، ممکن است همان پیامدهایی را ایجاد کند که در راهبرد تحریم‌ها دنبال می‌شود. بنابرین، سیاست‌گذار باید پیش از اتخاذ تصمیم‌هایی که شوک ارزی ایجاد می‌کند، نسبت آنها را با حفظ ظرفیت‌های تولیدی و ثبات معیشت مردم بسنجد.



مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

به پیامدهای سیاست‌های اقتصادی اشاره کرد و گفت: در یک سخنرانی عمومی، به‌ممنوعیت انتشار مطالبی درباره آثار سیاست‌های مخرب در حوزه نرخ ارز، حساسیت‌های اعتباری، خصوصی سازی‌های غارتی و آزادسازی تجاری اعتراض کرده است. مؤمنی اظهار کرد: چنین ممنوعیتی، هرچند تلخ است، این احساس را در مردم ایجاد می‌کند که بی‌پناه مانده‌اند و دیگری کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

گزارش

فرشاد مؤمنی، اقتصاددان حامی مسعود پرشکیان در انتخابات ریاست جمهوری، با اشاره به سیاست افزایش نرخ ارز اظهار کرد: برای افزایش نرخ ارز، دلایل متعددی مطرح می‌شود، اما باید به گزارش‌های سالانه بانک مرکزی با عنوان «خلاصه تحولات اقتصادی کشور» نیز مراجعه کرد. در گزارش‌های منتشرشده طی چند دهه گذشته، بارها به پیامدهای شوک ارزی برای معیشت مردم و ظرفیت‌های تولیدی اشاره شده است. بنابرین، حتی در اسناد رسمی نیز درباره آثار منفی افزایش‌های ناگهانی نرخ ارز هشدار داده شده است. مؤمنی افزود: شوک ارزی از یک سو قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، هزینه مواد اولیه، تجهیزات و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند تولیدکنندگان را با دشواری بیشتری مواجه کند و در مقابل، فعالیت‌هایی را که از افزایش قیمت دارایی‌ها یا تجارت وارداتی سود می‌برند، تقویت کند. به همین دلیل، باید پیامدهای توزیعی و تولیدی سیاست‌های ارزی در کنار اهداف اعلام‌شده اشاره بررسی شود. وی ادامه داد: در این بحث، مسئله حفظ آثار داخلی افزایش نرخ ارز نیست. هنگامی که سیاستی به تصفیه تولید و کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، ممکن است همان پیامدهایی را ایجاد کند که در راهبرد تحریم‌ها دنبال می‌شود. بنابرین، سیاست‌گذار باید پیش از اتخاذ تصمیم‌هایی که شوک ارزی ایجاد می‌کند، نسبت آنها را با حفظ ظرفیت‌های تولیدی و ثبات معیشت مردم بسنجد.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

مؤمنی ادامه داد: ما با خروج نگران‌کننده نیروها و فعالان اقتصادی از بخش صنعت و کشاورزی و حرکت آنها به سمت مسافرت‌های ماهیچه، اما به نظر می‌رسد حساسیت متناسبی نسبت به این پدیده وجود ندارد. در حالی که برای برخی موضوعات، رسانه‌ها صداها را گوش می‌دهند و دیگر کسی از حقوق آنها دفاع نمی‌کند. با به‌گسترش فقر حساسیت نشان می‌دهند و از انتشار مطالب درباره آن جلوگیری می‌کنند، نشان می‌دهد که خودآنها نیز می‌دانند ایجاد این فقر شرم‌آور است. وی با انتقاد از این رویکرد گفت: مسئولان مسیر اشتباه رفته‌اند؛ اتفاقاً باید اجازه دهند درباره دلایل گسترش فقر صحبت شود تا ریشه‌های آن به‌صورت علمی شناسایی و برای جلوگیری از تکرار آن اقدام شود. اگر حساسیتی نسبت به این وضعیت وجود دارد، باید این حساسیت در مسیر متوقف کردن سیاست‌های فقر و فلاکت‌آفرین به کار گرفته شود، نه جلوگیری از انتشار اطلاعات و بررسی پیامدهای آنها.

برش

ضرورت تقویت بدنه کارشناسی کشور

این استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد در سیاست‌گذاری گفت: پیش از هر نوع بازآرایی نهادی، باید ایدئولوژی تسلیم، وادادگی و رهاسازی اقتصاد مورد بازنگری قرار گیرد. تجربه تاریخی از آغاز انقلاب صنعتی تا امروز نشان می‌دهد که هیچ کشوری صرفاً با کنار گذاشتن سیاست‌گذاری و واگذاری امور به سازوکارهای بازار، به توسعه پایدار و استقلال اقتصادی دست پیدا نکرده است. وی افزود: برای اصلاح امور، باید به این واقعیت توجه کرد که ساختار قدرت و ظرفیت نهادهای موجود در آن، ممکن است با پیچیدگی مسائل امروز تناسب نداشته باشد. با این حال، ذخیره انسانی در کشور بسیار گسترده‌تر از آن است که بتوان گفت برای مواجهه با شرایط کنونی راه حل و دانش کافی وجود ندارد. مسئله این است که صدای کارشناسان و افراد برخورد از دانش تخصصی، به اندازه صدای گروه‌های غیرمولد و ذی‌نفعان قدرتمند شنیده نمی‌شود.

مؤمنی ادامه داد: راه‌حل این وضعیت، اصلاح توزیع قدرت و پس از آن، اصلاح توزیع ثروت است. اگر نظام تصمیم‌گیری اصلاح نشود و امکان اثرگذاری برای تولیدکنندگان واقعی و کارشناسان مستقل فراهم نیاید، نمی‌توان انتظار داشت سیاست‌های ارزی، تجاری و صنعتی در مسیر منافع عمومی قرار گیرند. وی با اشاره به نحوه تخصیص ارز و تسهیل واردات گفت: وقتی سیاست تخصیص منابع به واردات کالاهای لوکس و



کاهش وابستگی ۸۶ درصدی برق ایران به گاز چگونه امکانپذیر است؟

محمدفاضل نصیری

وابستگی گسترده نیروگاه‌های ایران به گاز طبیعی، در کنار محدودیت تأمین سوخت‌های جایگزین و رشد مصرف فصلی، به یکی از چالش‌های امنیت انرژی تبدیل شده است. مصطفی رجبی مشهدی، سرپرست معاونت برق و انرژی وزارت نیرو، با اشاره به وابستگی بالای نیروگاه‌های حرارتی به گاز، نسبت به احتمال بروز محدودیت تأمین برق در زمستان در صورت تداوم کسری سوخت هشدار داده است. حدود ۸۶ درصد از برق تولیدی در کشور وابسته به گاز است و محدودیت در شبکه گاز می تواند ظرفیت تولید برق، هزینه‌های اقتصادی و پایداری انرژی صنایع را تحت تأثیر قرار دهد. بررسی شاخص‌های صنعت برق نشان می دهد تنوع پایین سبد سوخت، راندمان نیروگاه‌ها و محدودیت تأمین سوخت جایگزین یا پشتیبان، تاب‌آوری شبکه برق را در برابر اختلال‌های سوختی کاهش داده است. ساختار تولید برق ایران طی سال‌های گذشته بر توسعه نیروگاه‌های حرارتی و اتکای گسترده به گاز طبیعی شکل گرفته است؛ مدلی که در دوره وفور منابع گازی، مزیت اقتصادی ایجاد کرده اما به تدریج وابستگی میان دو زیرساخت حیاتی برق و گاز را افزایش داد.

این وابستگی در شرایط فعلی اهمیت بیشتری یافته است. مصطفی رجبی مشهدی، سرپرست معاونت برق و انرژی وزارت نیرو، با اشاره به سهم بالای نیروگاه‌های حرارتی در تولید برق کشور، اعلام کرده است که در صورت تداوم محدودیت تأمین گاز، احتمال اعمال محدودیت در تأمین برق در فصل زمستان وجود دارد. اکنون حدود ۸۶ درصد تولید برق کشور به گاز طبیعی وابسته است. در فصل سرد سال، افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری، همراه با تشدید ناترازی گاز، تأمین سوخت نیروگاه‌ها را با محدودیت مواجه می کند. این وضعیت در شرایطی رخ می دهد که حمله به تأسیسات انرژی، از جمله زیرساخت‌های میدان گازی پارس جنوبی، به کاهش ظرفیت تولید گاز منجر شود؛ به گونه‌ای که حدود ۳۲۰ میلیون مترمکعب از تولید روزانه گاز کشور از دست رفت. این کاهش عرضه، فشار بر شبکه گاز را افزایش داده و ریسک محدودیت سوخت نیروگاه‌ها را تشدید کرده است. تجربه محدودیت‌های برق در زمستان‌های اخیر نیز نشان داده است که وابستگی بالای تولید برق به گاز طبیعی، در دوره‌های کمبود سوخت می تواند پایداری شبکه را با چالش مواجه کند.

به همین دلیل، افزایش ظرفیت تولید به تنهایی نمی تواند تضمین کننده پایداری برق باشد و مدیریت ریسک‌های تأمین سوخت نیز اهمیت زیادی دارد. پایین بودن راندمان متوسط نیروگاه‌های حرارتی، تمرکز بالای سبد سوخت نیروگاهی و محدودیت ذخایر سوخت جایگزین، از جمله عواملی است که تاب‌آوری شبکه برق ایران را تحت فشار قرار می دهد.

وابستگی ۸۶ درصدی برق به گاز، ریسک تمرکز انرژی را افزایش داده است
بررسی داده‌های صنعت برق نشان می دهد که حدود ۸۶ درصد از تولید برق ایران به گاز طبیعی وابسته است. بخش عمده تولید برق کشور (بیش از ۹۰ درصد در سال‌های اخیر) توسط نیروگاه‌های حرارتی انجام شده است و میزان مصرف سوخت این نیروگاه‌ها به حدود ۹۵.۳ میلیارد مترمکعب معادل گاز طبیعی رسیده است.

این سطح بالای وابستگی باعث شده است که مزیت برخورداری از منابع گسترده گازی، به تدریج به یکی از نقاط آسیب‌پذیری ساختار انرژی کشور تبدیل شود. در شرایطی که میانگین سهم گاز طبیعی در تولید برق جهان حدود ۲۳ درصد برآورد می شود، سهم قابل توجه گاز در تولید برق ایران نشان دهنده محدودیت تنوع در سبد سوخت نیروگاهی است. برای درک بهتر میزان تمرکز سبد تولید برق ایران، مقایسه آن با کشورهای که از منابع گسترده سوخت‌های فسیلی، به‌ویژه گاز طبیعی، برخوردار هستند می تواند تصویر روشن تری از میزان تنوع یا وابستگی ایجاد کند. در این میان، ایالات متحده آمریکا به دلیل برخورداری از ذخایر قابل توجه گاز طبیعی، توسعه گسترده نیروگاه‌های حرارتی و در عین حال بهره‌مندی از ترکیبی متنوع از منابع تولید برق، به عنوان نمونه مقایسه‌ای انتخاب شده است. این مقایسه با هدف بررسی تفاوت در ساختار سبد تولید برق و میزان وابستگی هر کشور به منابع سوختی مختلف انجام شده است و صرفاً بر تفاوت در نحوه ترکیب منابع تولید و مدیریت تنوع انرژی تمرکز دارد. اگرچه گاز طبیعی در هردو کشور سهم مهمی در تولید برق دارد، اما سهم آن در سبد تولید برق ایران بسیار متمرکزتر است. در مقابل، سبد تولید برق آمریکا شامل ترکیبی از گاز طبیعی، زغال سنگ، انرژی هسته‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر و سایر منابع است که وابستگی تولید برق به یک حامل انرژی خاص را کاهش می دهد. این تفاوت در ساختار تولید، یکی از عوامل مهم در ارزیابی تاب‌آوری شبکه برق در برابر اختلال‌های تأمین سوخت محسوب می شود.

همچنین بیش از ۱۱۰ نیروگاه از مجموع حدود ۱۴۰ نیروگاه بزرگ کشور به شبکه گاز وابسته هستند. از این رو، در زمان بروز محدودیت یا کاهش عرضه گاز، امکان جایگزینی سریع سوخت برای تمامی واحدهای نیروگاهی وجود ندارد و این وابستگی می تواند بر پایداری تولید برق اثرگذار باشد. در فصل سرد سال، افزایش مصرف گاز در بخش‌های خانگی و تجاری، موجب شکل‌گیری کسری روزانه حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب در شبکه گاز می شود. در چنین شرایطی، به دلیل اولویت تأمین گاز بخش خانگی، نیروگاه‌ها با محدودیت دریافت گاز مواجه شده و ناچار به استفاده از سوخت‌های مایع مانند نفت گاز و نفت کوره می شوند.

در سال ۱۴۰۴، سهم سوخت مایع در نیروگاه‌های حرارتی به حدود ۳۱.۸ درصد رسید. همچنین ارزش کل سوخت مصرفی نیروگاه‌ها حدود ۴۲.۴۸۱ میلیارد دلار برآورد شد که حدود ۱۰ میلیارد دلار از این رقم مربوط به سوخت مایع بوده است. این ارقام نشان می دهد سوخت‌های جایگزین، اگرچه در شرایط کمبود گاز نقش یک عامل پشتیبان و ضربه‌گیر به‌ایفا می کنند، اما به دلیل هزینه‌های بالاتر و محدودیت‌های مربوط به تأمین و انتقال، نمی توانند جایگزینی پایدار برای گاز طبیعی باشند. ظرفیت ذخیره نفت گاز نیروگاهی نیز حدود ۳.۵ میلیارد لیتر برآورد شده است که در صورت قطع کامل تأمین گاز، بسته به شرایط فصلی و میزان بار مصرف، امکان تداوم تولید برق را برای حدود ۲۰ تا ۴۰ روز فراهم می کند. این میزان ذخیره برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت ضروری است، اما در برابر اختلال‌های طولانی مدت در تأمین گاز، باسختگویی نیاز نیروگاه‌ها نخواهد بود.

■ یکشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۵ ■ ۷ جمادی الاول ۱۴۴۸ ■ ۱۸ October ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۸۳ ■
 ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■
 ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



تخصیص ارز در شرایط تحریم و جنگ به برنامه‌ریزی راهبردی نیاز دارد

گزارش

یک کارشناس اقتصاد توسعه با انتقاد از نبود نگاه راهبردی و برنامه‌ریزی منسجم در مدیریت منابع ارزی کشور گفت: اقتصاد ایران حدود ۱۵ سال است با محدودیت در عرضه ارز و دشواری دسترسی به آن مواجه است، اما برای مدیریت این شرایط باید از تجربه‌های تاریخی، ظرفیت‌های دولت و سازوکارهای شفاف اولویت‌بندی کالاها استفاده کرد. به گزارش ایسنا، حسین رجب‌پور، کارشناس اقتصاد توسعه و کارشناس اقتصادی در نشست در مؤسسه دین و اقتصاد با عنوان «نظام تخصیص ارز در شرایط تحریم و جنگ؛ فرصت‌ها و تهدیدها» با بررسی نقش دولت و بازار در تخصیص منابع ارزی، اظهار کرد: برای تحلیل وضعیت بازار را باید ابتدا اهمیت این بازار، نقش دولت در تخصیص منابع، محدودیت‌های موجود و اهدافی که باید بر سیاست‌گذاری ارزی حاکم باشد، به‌دستی بشناسیم. وی گفت: مسئله تخصیص ارز صرفاً به تعیین نرخ یا پاسخ‌گویی به درخواست واردکنندگان محدود نمی شود، بلکه باید مشخص شد منابع ارزی کشور یا چه اولویت‌هایی، برای تأمین چه نیازهایی و بر اساس به برنامه‌ای تخصیص داده می شود. در شرایط تحریم و جنگ نیز اهمیت این موضوع بیشتری شود؛ زیرا هم میزان از قابل دسترس محدودتر می شود و هم ممکن است انتقال و تأمین آن در زمان مورد نیاز با اختلال مواجه شود.

دولت صرفاً بازار را نیز نیست

رجب‌پور با اشاره به ضرورت دانزگری در نگاه رایج به بازار از گفت: گاهی در تحلیل‌های اقتصادی، بازار به گونه‌ای تصویری شود که گویا نیرویی مستقل و خارج از اراده بازیگران اقتصادی است و دولت صرفاً باید تحولات آن را مشاهده کند. درحالی که دولت می تواند در شرایط مختلف با ابزارهای گوناگون بر عرضه و تقاضا اثر بگذارد و برای مدیریت پیامدهای اقتصادی و اجتماعی پحران‌ها مداخله کند. وی افزود: اگر سازمان برنامه و بودجه صرفاً پیش‌بینی‌های مربوط به نرخ ارز را منتشر کند و تحقق آن پیش‌بینی‌ها را نشان دهد، درستی تحلیل خود بیاند، باید پرسید آیا وظیفه این سازمان فقط پیش‌بینی تحولات بازار است یا اینکه باید برای تغییر شرایط و کاهش آسیب‌های اقتصادی نیز برنامه داشته باشد؟ تأیید شد یک پیش‌بینی، لزوماً به معنای موفقیت سیاست‌گذاری نیست؛ به‌ویژه اگر نهادی که ظرفیت اثرگذاری بر اقتصاد دارد، خود را صرفاً ناظر تحولات بداند. این کارشناس اقتصاد توسعه با اشاره به اقدامات آمریکا برای مدیریت بحران عرضه نفت در پی اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، اظهار کرد: دولت آمریکا در چنین شرایطی صرفاً به مشاهده افزایش قیمت‌ها اکتفا نمی کند، بلکه از ذخایر راهبردی استفاده می کند، برای افزایش عرضه با کشورهای دیگر وارد مذاکره می شود و ابزارهای مختلفی را برای کاهش آثار بحران به کار می گیرد. وی ادامه داد: آزادسازی ذخایر راهبردی نفت، هماهنگی با کشورهای عضو آلتان بین المللی انرژی، مذاکره با روسیه درباره عرضه نفت، بررسی معافیت‌های تحریمی و اتخاذ تدابیری برای تسهیل حمل و نقل و بیمه نفتکش‌ها، نمونه‌هایی از اقداماتی است که نشان می دهد دولت‌ها در شرایط بحرانی می توانند نقش فعالی در مدیریت بازار داشته باشند. رجب‌پور تأکید کرد: این نمونه‌ها نشان می دهد که حتی در اقتصادهای مانند آمریکا نیز بازار به حال خود راه نمی شود و دولت برای کاهش آثار اقتصادی و اجتماعی بحران، از ابزارهای موجود استفاده می کند. بنابراین، در بررسی بازار ارز ایران نیز نباید نقش دولت و ظرفیت‌های آن را نادیده گرفت.

شرکت‌های فناوری زیر فشار تنگه هرمز؛ بورس‌های دنیا رنگ عوض می‌کنند

همانطور که برخی کارشناسان در روزها و هفته‌های اولیه جنگ آمریکا و ایران پیش‌بینی می کردند، سقوط شاخص‌های بازارهای سهام جهان با کاهش شدید شاخص سهام شرکت‌های هوش مصنوعی و صنایع نیمه‌رسانا آغاز شده است. موج تازه سقوط بازارهای سهام جهان که در روزهای اخیر بیش از همه بورس‌های کره جنوبی و ژاپن را تحت تأثیر قرار داده، نشانه‌ای از تغییر نگاه سرمایه‌گذاران به آینده صنعت هوش مصنوعی است. بررسی تحولات بازارهای کره جنوبی، ژاپن، تایوان، چین، آمریکا و اروپا نشان می دهد که مهم‌ترین عامل مشترک فشار فروش، کاهش ارزش سهام شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی و صنعت نیمه‌رسانا بوده است.

کره جنوبی: کانون اصلی سقوط

نکته قابل توجه، تفاوت شدت سقوط میان بازارهای مختلف است. در حالی که بورس کره جنوبی طی هفت جلسه معاملاتی بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته، بازارهای آمریکا و اروپا، دست‌کم تا زمان بررسی داده‌ها،



فروش ۱۰ هزار دلار با کارت ملی و ضرورت بررسی تقاضا

رجب‌پور با اشاره به عرضه ارز به متقاضیان با استفاده از کارت ملی گفت: در شرایطی که بازار با محدودیت عرضه و دشواری دسترسی به ارز مواجه است، باید بررسی کرد که عرضه ارز به این شیوه چه پیامی به بازار می دهد و آیا می تواند به شکل‌گیری تقاضاهای جدید یا تشدید انتظارات دامن بزند.

وی افزود: پرسش مهم این است که چه کسانی توانایی خرید ۱۰ هزار دلار را دارند و هدف آن‌ها از این خرید چیست. همچنین باید بررسی شود که آیا اختلاف نرخ‌های موجود، انگیزه خرید ارز با هدف کسب سود از تفاوت قیمت‌ها را ایجاد می کند یا خیر. در چنین شرایطی، احتمال استفاده از کارت‌های ملی اجاره‌ای نیز مطرح می شود و لازم است سازوکار اجرایی سیاست به گونه‌ای باشد که زمینه سوءاستفاده کاهش یابد. این کارشناس اقتصاد توسعه با اشاره به تجربه صف‌های خرید ارز در سال‌های گذشته اظهار کرد: در مقاطعی از جمله سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۶، صف‌های برای خرید ارز شکل گرفت. در سال ۱۳۹۶ و تا حوالی نوروز ۱۳۹۷ نیز عرضه ارز از سوی بانک مرکزی ادامه داشت، اما پس از آن نرخ ارز از حدود چهار هزار تومان به سطوح پنج هزار، پنج هزار و ۵۰۰ و سپس شش هزار تومان رسید. وی ادامه داد: تکرار چنین تجربه‌هایی باید برای سیاست‌گذار اهمیت داشته باشد. اگر یک روش مداخله در بازار در گذشته نتوانسته مانع تداوم فشارها شود، لازم است پیش از تکرار آن، علل ناگهی و پیامدهای احتمالی آن بررسی شود. عرضه ارز باید در چارچوبی انجام شود که هدف آن، مدیریت تقاضا و تأمین نیازهای واقعی اقتصاد باشد، نه اینکه خود به عاملی برای ایجاد تقاضای بیشتر تبدیل شود.

ثبت سفارش و تخصیص ارز باید بر اساس اولویت‌های واقعی باشد

رجب‌پور با اشاره به فرآیند واردات گفت: واردات در چند مرحله انجام می شود که از ثبت سفارش آغاز می شود و پس از تخصیص ارز و تأمین آن، به ترخیص کالا می رسد. هر یک از این مراحل باید به گونه‌ای طراحی شود که تقاضای واقعی واردات از درخواست‌هایی که صرفاً در سامانه ثبت شده‌اند، قابل تشخیص باشد. وی افزود: در حدود ۱۵ سال گذشته، با وجود تداوم تحریم‌ها، فرایند ثبت سفارش به اندازه کافی با محدودیت‌ها و اولویت‌های ارزی کشور هماهنگ نشده است. ممکن است درخواست‌های چند میلیون دلاری در سامانه ثبت شوند، بدون آنکه توان واقعی واردکننده، ضرورت کالای مورد نظر یا امکان تأمین ارز آن به‌طور دقیق بررسی شده باشد. این وتوانسته‌اند مسیرهایی برای تسهیل ثبت سفارش پیدا کنند. این در سامانه باقی می ماند و در نتیجه، تصویری از تقاضای انباشته ایجاد می شود که لزوماً نیاز فوری و واقعی اقتصاد یکسان نیست. این کارشناس اقتصادی با اشاره به تجربه واردات خودرو گفت: در برخی موارد، واردکنندگان از قدرت چانه‌زنی بالایی برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند مسیرهایی برای تسهیل ثبت سفارش پیدا کنند. این موضوع ضرورت بازنگری در قواعد و سازوکارهای تخصیص ارز را نشان می دهد؛ به‌ویژه در شرایطی که منابع ارزی محدود است و هر تصمیم باید بر اساس اولویت‌های روشن اتخاذ شود. وی همچنین با اشاره به نقش مناطق آزاد اظهار کرد: مناطق آزاد با هدف تسهیل ارتباط اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی شکل گرفتند، اما در شرایط تحریم، لازم است رویه‌های مرتبط با آن‌ها نیز بازبینی شود. در برخی دوره‌ها، واردات کالا از مناطق آزاد می توانست از برخی مراحل معمول ثبت سفارش مستثنا باشد. همچنین رویه واردات بدون انتقال ارز موجب می شد تمام تقاضاهای وارداتی در یک نظام مرکزی و بر اساس اولویت‌بندی واحد مدیریت نشوند.

رجب‌پور تأکید کرد: چنین تخصیص ارزی محدود است، باید تصویر نسبتاً جامعی از مصارف ارزی کشور وجود داشته باشد. اگر بخشی از واردات خارج از چارچوب یکپارچه اولویت‌بندی انجام شود، امکان ارزیابی دقیق نیازها و مدیریت منابع کاهش پیدا می کند. این مسئله به معنای نفی همه رویه‌های خاص نیست، بلکه به این معناست که هر رویه‌ها با شرایط ارزی کشور و اهداف سیاست‌گذاری هماهنگ باشد.

رجب‌پور با اشاره به تجربه‌های تاریخی اقتصاد ایران اظهار کرد: بحران ارز در کشور پدیده تازه‌ای نیست و در دوره‌های مختلف، کاهش درآمدی ارزی با افزایش تقاضا برای ارز، مشکلاتی در تجارت خارجی و تأمین نیازهای اقتصادی ایجاد کرده است. وی با اشاره به پیامدهای بحران اقتصادی جهانی در سال ۱۹۲۹ گفت: افت قیمت نفت و کاهش درآمدی حاصل از آن می توانست منابع ارزی ایران را تحت فشار قرار دهد. در آن دوره، درآمد نفتی کشور به سهمی وابسته بود که از سوی شرکت نفت ایران و انگلیس پرداخت می شد و کاهش قیمت نفت بر منابع در دسترس اثر می گذاشت. اختلال در تأمین ارز نیز دولت را به سمت کنترل بیشتر تجارت خارجی سوق داد. این کارشناس اقتصاد توسعه افزود: در مقطع دیگری، در حوالی سال ۱۳۳۹، افزایش کمک‌های آمریکا و درآمد نفتی بار شد مصرف و واردات همراه شد، اما افزایش تقاضا برای ارز فشارهایی بر منابع ارزی وارد کرد. کمبود ارز در بانک ملی و افزایش نرخ ارز، از جمله تحولاتی بود که در آن دوره رخ داد و یکی از زمینه‌های شکل‌گیری بانک مرکزی نیز در همین بستر قابل بررسی است. وی ادامه داد: تجربه آزادسازی اقتصادی در دهه ۱۳۷۰ نیز نشان داد که افزایش واردات و توافقات درآمد نفتی و تعهدات خارجی می توانند فشار زیادی بر منابع ارزی وارد کنند. در آن دوره، بدهی خارجی کشور در محدوده‌ای حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار مطرح بود و بحران ارزی سال ۱۳۷۴ به بازگشت سیاست‌های تثبیتی و کنترل شدیدیتر بازار ارز منجر شد. رجب‌پور با اشاره به تحریم‌های دهه ۱۳۹۰ گفت: در این دوره نیز محدودیت‌های ارزی و شوک ناشی از آن، اقتصاد ایران را با اختلال‌های جدی مواجه کرد. نرخ ارز تنها یک قیمت در بازار نیست؛ تغییرات

الکترونیکس و اس کی هاینیکس بوده است. سهام این شرکت‌ها در معاملات ۱۵ اکتبر به ترتیب حدود ۱۱ و ۹ درصد افت کردند. **سرمایه‌های ژاپن و تایوان به نزحیره تولید ترشاه**
بورس ژاپن نیز در ۱۵ اکتبر سقوطی نزدیک به ۵ درصد را تجربه کرد. سهام شرکت‌های فعال در تجهیزات آزمایش ترشاه، تولید حافظه و سرمایه‌گذاری‌های فناوری، از جمله ادونتس، کیوکسیا و سافت بانک، تحت فشار سنگین فروش قرار گرفتند. در تایوان، شاخص تایکس با کاهش ۴.۱ درصدی به ۴۶.۹۶۹.۸۷ واحد رسید. این کاهش از نظر تعداد واحد، ششمین افت بزرگ روزانه تاریخ شاخص بود. نکته مهم درباره تایوان آن است که شرکت تی اس ام سی با وجود انتشار گزارش مالی قدرتمند، از فشار فروش مومن تراسند، این شرکت یکی از تولیدکنندگان اصلی ترشاه‌های پیشرفته جهان است و درآمد آن به سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ فناوری در آمریکا وابستگی قابل توجهی دارد.

کاهش بسیار محدودتری را تجربه کرده‌اند. این تفاوت تا حد زیادی به ترکیب صنعتی شاخص‌ها و میزان وابستگی آن‌ها به نزحیره جهانی تولید ترشاه و توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی مربوط می شود. این ارقام نشان می دهد که موج فروش اگرچه اهمیتی بین المللی دارد اما شدت آن در شرق آسیا به مراتب بیشتر بوده است. دلیل اصلی آن است که در بورس‌های کره جنوبی، ژاپن و تایوان، شرکت‌های تأمین کننده ترشاه، حافظه و تجهیزات تولید نیمه‌رسانا وزن بالایی دارند. شاخص کوسپی در ۱۵ اکتبر با کاهش ۷.۵۷ درصدی به ۵.۵۵۴ واحد رسید. این شاخص در هفت جلسه معاملاتی متوالی، از محدوده ۷.۰۰۴ واحد تا سطح کنونی سقوط کرده و حدود ۲۰ درصد ارزش خود را دست داده است. سرعت این کاهش، آن را در رتبه قابل توجه، تفاوت شدت سقوط میان بازارهای مختلف است. در حالی که بورس کره جنوبی طی هفت جلسه معاملاتی بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته، سهام دو غول صنعت نیمه‌رسانای کره، سامسونگ

چین: افت محدود تر و نقش متفاوت در بحران

کاهش قیمت سهام چنین شرکت‌هایی، حتی در شرایط عملکرد مالی مناسب، نشان می دهد نگرانی سرمایه‌گذاران از الزام درباره فروش و سود فعلی نیست؛ بلکه درباره ارزش گذاری کنونی سهام و بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های آینده است. در چین، شاخص سی اس آی ۳۰۰ روز ۱۵ اکتبر ۱.۲۲ درصد کاهش یافت و به ۴.۱۶۶ واحد رسید. این افت در مقایسه با بازارهای کره جنوبی، ژاپن و تایوان محدودتر بود. توضیح می دهد، شرکت‌های مالی، صنعتی، مصرفی و بنگاه‌های بزرگ دولتی در شاخص‌های فراگیر چین سهم مهمی دارند و وابستگی شاخص کل به تعداد محدودی از تأمین کنندگان حافظه و تجهیزات هوش مصنوعی کمتر است.

آمریکا، منشأ فشار مالی بر صنعت هوش مصنوعی

اگرچه شدیدترین سقوط در بورس‌های آسیایی رخ داده اما بخش مهمی از عوامل شکل دهنده بحران